

از دله دزدی‌های کارمندان سازمان ملل

تابز آوردن آزمندان هموطن!

نوشته رامین مستقیم

این مقاله زمانی نوشته می‌شود که خیمه شب‌بازی انتخاب دبیر کل جدید سازمان ملل پایان یافته و پس از وتوی آمریکا در مورد تجدید انتخاب پطروس غالی، سرانجام «کرفی عنان» دیپلمات غنایی به این سمت برگزیده شد.

این نکته که چرا غالی رفت و عنان جای او را گرفت تفاوتی در ماهیت دیوان سالاری پرهزینه سازمان ملل ایجاد نمی‌کند. اما البته کشورهای جهان سوم، به ویژه آسیایی‌ها و آفریقایی‌ها تصور نمی‌کردند که پطروس غالی از خودشان است و به همین دلیل تلاش می‌کردند برای دهان کجی به آمریکا هم که شده، وی را برای دوره‌ای دیگر دبیر کل کنند. گیریم که چنین هم می‌شد، اما بیماری ریخت و پاش بی حد و حصر در این سازمان را چه کسی در مان خواهد کرد؟

افکار عمومی کشورهای جهان سوم آنچنان معطوف مسائل مربوط به جایگزینی دبیرکل شده بود که کمتر کسی به سوء استفاده‌های نجومی مالی در این سازمان توجه داشت. شاید یکی از علل این بی‌توجهی، دشمنی آشکار و پنهان ملت‌ها با آمریکا باشد. این وضع سبب شده است کسی از خود نهرسد چند نفر مانند «نیلام میرانی»، دیپلمات پنجاه و شش ساله با حقوق خالص ماهی صد هزار دلار- پس از دوران بازنشستگی- در این سازمان وجود دارند. این افراد به ازای کار نکرده در خانه‌های مجلل در سوئیس و جاهای خوش آب و هوای جهان خوش می‌گذرانند.

برای مثال میرانی، متولد هندوستان با همسر سوئیس خود شبها را در مهمانی‌های پر زرق و برق می‌گذرانند و روزها حمام آفتاب می‌گیرند.

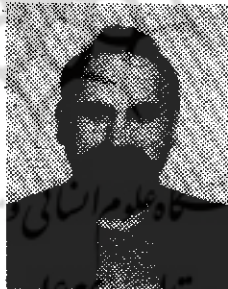
میرانی در دهه گذشته که به دهه هشیاری در برابر بلایای طبیعی «موسوم شده بود، موظف به افزایش آگاهی جهانی درباره بلایای طبیعی شده بود. اما کارمندان و مقام‌های تحت امر او در سازمانی که نام اختصاری آن (IDNDR)^(۱) است چنان به حیف و میل بودجه تعیین شده پرداختند که بعدها کاشف به عمل آمد نیمی از هر یک میلیون دلار بودجه را فقط صرف سفر و دادن حقوق‌های گزاف کرده‌اند!

به دلیل همین شاهکارهای آقای میرانی، منتقدان سازمان ملل وی را «استاد بلایا» لقب دادند!

جالب است که میرانی یکی از ۳۹ کادر سازمان ملل است که بدون داشتن کار مشخص حقوق‌های گزاف می‌گیرد و به ریش جهانیان هم می‌خندد. یکی از مقام‌های ارشد سازمان ملل در آغاز دبیرکلی پطروس- پطرس غالی به روزنامه سانندی تایمز گفته بود که تنها در یک سال ۵۴۰ میلیون پوند در این سازمان حیف و میل شده است.

البته این حیف و میل‌ها از دید حساب‌رسان سازمان ملل هم پنهان نمانده است اما دبیرکلی که بتواند بیه نازاری کردن بلند پایگان سازمان و رفقای گرمابه و گلستان را به تن خود بمالد و به اصلاح ساختار اداری و دیوان سالاری این سازمان پنجاه و دو ساله بپردازد، هنوز از مادر دهنر زاده نشده است.

سازمان ملل که در آغاز تأسیس (۱۹۴۵) ۱۵۰۰ کارمند داشت. اکنون حدود ۵۵ هزار نفر کارمند در سراسر جهان دارد و عده مشاوران آن هم از ده هزار نفر بیشتر است.



رامین مستقیم

آیا به آسانی می‌توان این تعداد کال‌مند را در سراسر جهان کنترل کرد؟ بر سازمان‌هایی مانند کمیسیاری عالی پناهندگان که باید سالانه میلیاردها دلار را صرف کمک به آوارگان کند چقدر نظارت وجود دارد؟

در سال ۱۹۹۱ در یک مورد چهارده هزار کیسه خواب فقط در روی کاغذ به دست نیازمندان بی‌پناه سیریلونی رسید و در موردی دیگر لباس‌های مورد نیاز آوارگان سومالیایی سر از بازار سیاه در قاره‌ای دیگر درآمد.

اینها فقط نمونه‌های کوچکی از ریخت و پاش‌های این سازمان جهانی است.

پطروس- پطرس غالی که همکاران نزدیک او وی را دوستانه، «پترو»^(۲) می‌خوانند، در طبقه سمن و هشتم ساختمان سازمان ملل با ماهی صد و پنجاه هزار دلار حقوق

ثابت ماهانه پنج سال پیش آغاز به کار کرد. قرار بود آقای بویو اصلاحات ساختاری ایجاد کند و از ریخت و پاش‌ها بکاهد. اما در عمل اینطور نشد. از همان سال اول دبیرکلی پطروس غالی معلوم شد که ایشان رفیق باز است زیرا که در سال ۱۹۹۰، ویرندرا دیال، رئیس کارکنان دفتر دبیرکل که ماهی صد هزار پوند حقوق می‌گرفت به خاطر صرفه‌جویی در هزینه‌ها و نیز به اتهام رفیق‌بازی (Cronyism) کنار گذاشته شد اما یک سال نگذشت که پطروس غالی او را مشاور ویژه خود کرد و ماهانه سی هزار پوند برای او حقوق مقرر ساخت. البته دیال باید بابت این حقوق تقابلی یک گزارش در مورد «نیروهای صلح بان» می‌نوشت! کمی بعد ویرندرا دیال واقعاً عاقبت به خیر شد، زیرا که سمت فرستاده ویژه دبیرکل به آفریقایی جنوبی را به وی تفویض کردند!

ویکتور سخودرف مترجم شخص میخائیل گورباچف و مشاور ویژه پرزدیکوئیاری، دبیرکل اسبق، نیز پس از دوران بازنشستگی سالانه هشتاد هزار پوند به عنوان دستیار ویژه حقوق دریافت می‌کند.

خب! با اوصافی که از بخش کوچکی از دستگاه عریض و طویل سازمان ملل و عملکرد دبیرکل آن برشمریم آیا جامعه بین‌المللی حق ندارد در مورد شیوه اداره آن تفحص و مراقبتی انجام دهد؟ آیا نباید بدانیم که چرا نیمی از بودجه ۸۶۰ میلیون پوندی سازمان خواربار جهانی (FAO) در همان رم، مقر سازمان و در ساختمان شش طبقه مرمرین آن خرج می‌شود؟

آیا نباید بفهمیم چرا سازمان انکتاد (UNCTAD)، کنفرانس تجارت و توسعه ده برابر آنچه را که باید صرف توسعه تجارت کند صرف خودش و کارکنان خود می‌کند؟ آیا حق نداریم بدانیم هزینه‌های ۲۵ میلیون پوندی سفر دبیرکل در طول سال ۹۳-۱۹۹۲ چقدر بازدهی داشته است؟

در شرایطی که شهروندان کشورهای جهان سزم از میزان حقوق ماهانه و مداخلیل ویژه روسای جمهور، نخست‌وزیران و اعضای کابینه و سایر بلند پایگان با خبر نیستند و هر بلند پایهای در این کشورها می‌تواند از جیب خود در مواردی حاتم بخشی کند، و کستی نهرسد از کجا آورده‌ای و به چه حق می‌بخشی؟ ما تصمیم گرفته‌ایم بدانیم دیوان سالاری بی‌در و پیکر و پر ریخت و پاش سازمان ملل چگونه و با چه هزینه‌ای اداره می‌شود. شهروندان دهکده

جهانی حق دارند که بدانند.

دبیرکل سازمان ملل هر که باشد باید نتیجه بررسی حساب رسان و بازرسان در مورد نحوه عملکرد این سازمان را در اختیار افکار عمومی جهان قرار دهد.

۱. International Decade for Natural Disaster Reduction

دهه کاهش بین‌المللی بلایای طبیعی

۲. در انگلیسی نام او Boutros Boutros Ghali تلفظ می‌شود که اختصار دو اسم اولش بوپو (Bou - Bou) است.

افزوده سردبیری

قابل توجه خبرنگاران قضائی

انگیزه‌ای که همکار آرام و مسالمت‌جوی ما، آقای رامین مستقیم را به هیجان آورده و ایشان را واداشته چنین ادعای نامحسوس (و البته برحق) را علیه سازمان مللی‌ها صادر کند، نامه‌ای است که از لاگوس، پایتخت نیجریه رسیده و خون ایشان با خواندن آن به جوش آمده است.

خلاصه و لُبّ لباب نامه که بخشی از آن را کلیشه کرده‌ایم این است که ما یک سازمان بازرگانی نیجریه‌ای هستیم که با نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در لیبریا و سومالی بده و بستان‌هایی داشته‌ایم و داریم. از بودجه این نیروها ۳۵/۲ میلیون دلار بسلامت‌کلیف مانده که با صورت حساب‌سازی می‌توانیم آن را بالا بکشیم. اگر شما بتوانید صورت‌حسابهای قابل قبولی عرضه کنید، از این نمد کلاه می‌تصیب خواهید برد!

همکار ما پس از دیدن این نامه برآشفته و با یگانگی‌ها را کاوید و اطلاعاتی را در مورد حیف و میل در سازمان ملل به دست آورد که در بالا خواندید، و البته جالب و بس آموزنده بود.

اما نکته جالب‌تر این است که از سالها قبل مشابه این نامه‌ها و در ارتباط با موضوع‌های دیگر از همین شرکت نیجریه‌ای به آدرس اشخاص حقیقی و حقوقی ایران پست می‌شد. از شما خوانندگان محترم چه پنهان که یکی دو فقره آن به دست ما هم رسید. کنجکاری حرفه‌ای باعث شد در ارتباط با موضوع نامه‌ها (که حاوی وعده معاملاتی نان و آب‌دار از همین قماش بود) با شرکت مزبور مکاتبه کردیم. و باز هم از شما پنهان نباشد با وجودی که خودمان را بازرگان قلمداد کرده بودیم به هدفمان که کسب اطلاعاتی در راستای کار حرفه‌ایمان بود، نرسیدیم. ظاهراً آقای ALHAIJ ABUBAKAR J. HAMMED مدیر این شرکت که باید از آرسن لوپن‌های نخبه بین‌المللی باشد از بوی نامه‌مان فهمیده بود که ما «این کاره» نیستیم.

اما همه کسانی که در ایران نامه‌های این جناب را دریافت کرده بودند، و برایش نامه‌های فدایت شوم نوشتند، مثل ما ناکام نماندند. جواب دریافت کردند، معاملاتی انجام دادند و...

بهتر است بقیه ماجرا را به نقل از خبری که در روزنامه‌های روز ۱۳/۹/۷۵ کشورمان چاپ شده است بخوانیم.

«تهران- خبرگزاری جمهوری اسلامی

یک مقام مسئول گفت: پدیده است تعدادی افراد سودجو و کلاهبردار خارجی در مکاتباتی با داخل کشور

اقدام به معاملات غیرواقعی کرده و به تعدادی از افراد یا شرکت‌های ایرانی زیانهای هنگفتی وارد کرده‌اند.

این مقام مسئول اقتصادی در گفت و گو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: از چندی قبل، از کشور نیجریه درخواست‌هایی تحت پوشش تجاری برای افراد یا سازمان‌ها و یا شرکت‌های حقیقی و حقوقی داخل کشور ارسال می‌شود و در آنها خواسته شده تا قرارداد بازرگانی منعقد شود.

وی با اشاره به مراجعات و شکواییه‌های طرف‌های ایرانی متضرر از این مسئله افزود: این موارد کلاهبرداری بیش نیست و تاکنون سر شرکت‌ها و افراد متعددی در داخل کشور فریب این ترفند را خورده و متضرر شده‌اند.

یک بازرگان متضرر ایرانی و صاحب یک شرکت معظم تجاری نیز در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: چندی پیش نامه‌ای مشحون از احترام و جلب اعتماد از کشور نیجریه دریافت کردم که در آن از من خواسته شده بود مقادیری کالا به آن کشور ارسال کنم. البته اطلاعاتی در مورد عملیات بازرگانی خودم و نیز اسنادی مربوط به عقد قرارداد بازرگانی با طرف نیجریه‌ای در آن ارایه شده بود.

یک تاجر دیگر ایرانی نیز که فریب کلاهبرداری یک شرکت نیجریه‌ای را از طریق این مکاتبات خورده است،

گفت: آنها در مکاتبات خود از من خواستند موضوع محرمانه بماند و به من گفتند این معامله آزاد و فارغ از هر نوع ریسک است. به این دلیل من فریب خوردم و مقادیر زیادی از سرمایه‌ام را از دست دادم.

مقام مسئول اقتصادی یاد شده همچنین به طرف‌های ایرانی هشدار داد به این گونه مکاتبات خارج از کشور به عنوان شرکت‌های بازرگانی و تجاری ایرانی که مستلزم خروج کالا و ارز بدون پشتوانه مطمئن است و طرف‌های خارجی تنها اعتماد ظاهری آنها را جلب می‌کنند، توجه نکنند و به دام آنها نیفتند.

وی تأکید کرد: صرف داشتن نشانی از طرف ایرانی و دادن شماره تلفن و فاکس از طرف خارجی در مکاتبات یاد شده، دلیل کافی برای ایجاد اعتماد در معامله نیست.

این مقام مسئول در پایان تصریح کرد: بعضی از طرف‌های نیجریه‌ای همچنین از طرف‌های ایرانی می‌خواهند اقدام به ارسال فاکتور و سند فروش کالا برای آنها بکنند تا نیجریه‌ای‌ها بتوانند با تمسک به این ترفند اقدام به خروج غیرقانونی ارز از کشورشان بکنند.

وی تأکید کرد: این اقدام برای هر دو طرف ایرانی و نیجریه‌ای مخلف محسوب می‌شود و از طرف محاکم داخلی و بین‌المللی قابل پیگرد است.

ملاحظه می‌فرمایید که در چه دنیایی زندگی می‌کنیم. دنیایی که نیروهای حافظ صلح سازمان متحده هم دستاویز کلاهبرداری می‌شوند!

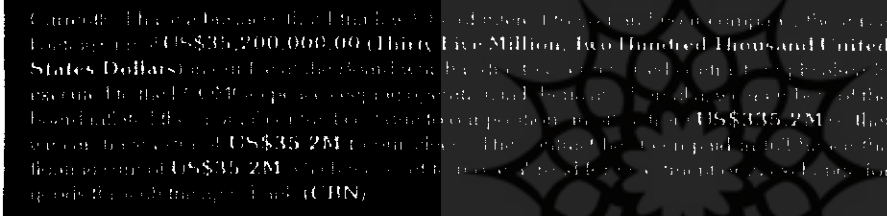
نکته جالب توجه و قابل پی‌گیری در مورد ایرانیان مالیابخته (که معلوم نیست آیا شرکت‌های نیمه دولتی هم پیشان هست یا نه) این است که حضرات این ضرب المثل را فراموش کرده بودند «کسی که خربزه می‌خورد پای لرش هم می‌نشیند!» انسان گاهی از وسعت دامنه آزمندی بی‌خبری از انبای بشر به حیرت می‌افتد!

متن نامه‌های این کلاهبردار ناقلای ساکن نیجریه (که معلوم نیست هنوز هم در نیجریه باشد) چنان بود که هر آدم کودکی می‌توانست بفهمد زیرا این کاسه نیم کاسه‌ای نهفته است.

چند نفر از پول‌پرست‌های طماع ایرانی به دام این شیاد بین‌المللی افتادند، و چه مبلغ از اموال و کالاهای آنها (که در نهایت دارائی‌های ملی ما است) بر باد رفت؟ معلوم نیست.

متأسفانه ماهنامه گزارش‌ساز فاسد امکانات لازم برای پی‌گیری این موضوع است و گزیده ماجرا، از آن ماجراهایی است که یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای و متعهد حاضر است یک چشم و یک دستش را هم بدهد تا بتواند تبه و توی آن را درآورد.

ما فاسد این امکانات هستیم، ولی نویسندگان و خبرنگاران بخش‌های حوادث و قضائی روزنامه‌ها دارای چنین امکاناتی هستند و می‌توانند ماجرا را از مجاری مختلف



تعقیب کنند: مسلماً به نتایج شگفت‌انگیزی خواهند رسید که هم تیزآزور است، و هم سبب آگاهی و تنبیه افرادی می‌شود که استعداد افتادن در چنین دام‌هایی را دارند!

در خاتمه برای تسکین خاطر آقای مستقیم خبری را که در آستانه دیمه سال جاری راجع به مبارزه با رشوه‌خواری مخابره شد و در مطبوعات ایران بازنمایی نیافت چاپ می‌کنیم. گو این که معتقدیم سرنوشت این تصویب‌نامه هم مشابه سایر تصویب‌نامه‌های سازمان ملل متحد خواهد بود.

سازمان ملل: مجمع عمومی سازمان ملل ضمن تصویب قطعنامه‌ای که خبر مهم پریروز بود رشوه‌خواری و هر نوع پورسانت گرفتن را در معاملات بین‌المللی ممنوع کرد و خواست که اعضای ۱۸۵ گانه این سازمان این عمل را یک جرم عمومی به حساب آورند و مجازات سنگین بر آن برقرار کنند. طبق این تصمیم هیچ کس از هیچ کشور نباید حق داشته باشد هنگام خرید از کشور دیگر پورسانت دریافت دارد و یا برای فروش کالای خود رشوه (پورسانت و...) بدهد و استدلال شده است که این عمل به هر صورت و عنوانی که باشد نظم معاملات بین‌المللی را بر هم می‌زند و کالاهای نامرغوب، آسانتر به فروش می‌رسند. کشورهای آمریکای لاتین، پاکستان، روسیه و آفریقای جنوبی از حامیان اصلی این قطعنامه بودند.